

شوهرم می خواست دختر ۵ ساله ام را بفروشد که شبانه به مشهد فرار کردیم



مدعی بود آن زوج جوان در آن خانه زندگی می کردند ولی آن‌ها به طور ناگهانی از آن منزل رفته بودند و هیچ کس از نشانی جدید آن‌ها خبری نداشت. حلاله ام از این تصمیم خود بسیار پشیمانم و... گزارش خراسان حاکی است با صدور دستوری از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سباد) تلاش نیروهای انتظامی برای یافتن زوج مورد ادعای این زن جوان آغاز شد.

دام از حدود دو ماه قبل که دخترم نزد آن خانواده زندگی می کردم به صورت تلفنی با آن خانواده در تماس بودم و از دخترم خبر می گرفتم اما ناگهان آن زوج جوان که صاحب فرزند نمی شدند تلفن هایشان را خاموش کردند و دیگر به تماس های من پاسخ ندادند. این در حالی است که من هیچ نشانی دیگری از آن زوج نداشته‌ام بنابراین به سراغ مردی رفتم که آن زوج را به من معرفی کرده بود و به همراه آن مرد به منزلی رفتم که

شبهه به مشهد مهاجرت کردم و در یکی از روستاهای حاشیه شهر ساکن شدم. با آن که در منزل یکی از دوستانم اقامت داشتیم و دو فرزندم نیز از طریق بهترین حمایت می شدند اما مادر آمد کارگری ام کفاف هزینه های زندگی را نمی داد و به سختی روزگار می گذراندم. در همین روزها بود که با فردی آشنا شدم و سفره درد دل هایم را برایش گشودم. آن فرد وقتی شرایط زندگی مرا دید پیشنهاد کرد تا دخترم را به خانواده پولداری بسپارم که به عنوان «دختر خوانده» با آن‌ها زندگی کند. من هم که فکر می کردم حداقل با این تصمیم دخترم خوشبخت می شود و در رفاه و آسایش زندگی خواهد کرد پیشنهاد او را پذیرفتم و دخترم را به آن‌ها تحویل

اعتقاد از او طلاق گرفته است، بنابراین من تلاش کردم او را از این مسیر بازدارم ولی نه تنها در ترک اعتیاد همسرم موفق نشدم بلکه او به مصرف مواد مخدر صنعتی از نوع کریستال روی آورد. حالا دیگر اوضاع زندگی ام آشفته شده بود. ماشاء... به شدت من و فرزندانم را تک می زد و از نظر مالی نیز در تنگنای اقتصادی وحشتناکی قرار داشتیم چرا که همه در آمد کاری همسرم صرف خرید مواد مخدر می شد و او نمی توانست مخارج زندگی را بپردازد، در همین حال متوجه شدم همسرم قصد دارد فرزندانم را به طور مخفیانه بفروشد تا بخشی از هزینه های اعتیادش را تأمین کند. به همین دلیل از او طلاق گرفتم اما برای آن که آبروی خانواده ام را حفظ کنم فرزندانم را برداشتم و

داشت اما جوانی با اخلاق و مهربان بود و من در کنارش احساس آرامش می کردم. حاصل این ازدواج دو فرزند دختر و پسر بود ولی این زندگی شیرین دوامی نداشت به گونه ای که همسرم در یک حادثه جان خود را از دست داد و من با دختر و پسر ۴ و ۲ ساله ام تنها ماندم و به خانه پدرم بازگشتم. هنوز در مرگ شوهرم سیاه پوش بودم که یکی از همشهریان پدرم به خواستگاری آمد. او نیز به تازگی از همسرش جدا شده بود به همین دلیل و با اصرار خانواده ام با «ماشاء...» ازدواج کردم. وقتی قدم در خانه او گذاشتم تازه متوجه شدم که همسرم به مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر اعتیاد دارد. دختر ۵ ساله ام را به خانواده ای سپردم و پشیمانم آن جا بود که فهمیدم همسر اول ماشاء... نیز به دلیل

گروه حوادث - زن جوان دختر ۵ ساله اش را به دلیل مشکلات خانوادگی به یک خانواده دیگر سپرد اما پشیمان شد. به دلیل شرایط وحشتناکی که در زندگی ام تجربه می کردم به ناچار مجبور شدم دختر ۵ ساله ام را به خانواده ای بسپارم که فرزند خوانده آن‌ها باشد اما... زن ۲۴ ساله در حالی که اشک بریزان فریاد می زد پشیمانم! پشیمانم، درباره داستان تلخ زندگی اش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سباد مشهد گفت: در یکی از شهرهای کوچک خراسان رضوی به دنیا آمدم و تا کلاس دوم راهنمایی تحصیل کردم. دختر نوجوانی بودم که به طور سنتی و با معرفی همسایگان با «اجواده» ازدواج کردم. او اگر چه فقط یک کارگر ساده بود و درآمد اندکی

حمله ۵ مرد خشن به زن دلار فروش



زمانی که اهالی محل رسیدند پرایدسواران با سرعت وحشتناکی از کوچه خارج شدند و بدین ترتیب صدای زنگ تلفن پلیس ۱۱۰ به صدا درآمد تا این ماجرای هولناک مورد بررسی های پلیسی قرار گیرد. زن دلار فروش که زخمی شده بود، هنوز نمی دانست چگونه این حادثه وحشتناک رخ داده است. طولی نکشید که نیروهای انتظامی موتورسیکلت رها شده زورگیران را به مقر انتظامی انتقال دادند و این پرونده با توجه به اهمیت آن در پلیس آگاهی خراسان رضوی مورد واکاوی و کنکاش های تخصصی قرار گرفت. چند روز بعد کار آگاهان پلیس آگاهی با هماهنگی ها و دستورات محرمانه قضایی موفق شدند با ردیابی های اطلاعاتی، جوان ۲۸ ساله کافه دار را شناسایی و دیگر اعضای باند زورگیران چاقو کش را در عملیات های جداگانه دستگیر کنند.

متهمان این پرونده پس از بررسی های مقدماتی و بازجویی های قضایی در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، روانه زندان شدند تا این که بعد از انجام تحقیقات تکمیلی، این پرونده با نظر مسئولان قضایی به شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد چرا که نوع جرم از تکلیف از اهمیت و حساسیت ویژه ای برخوردار بود. ابتدا چهار متهم این پرونده پای میز محاکمه ایستادند تا به سوالات تخصصی قاضی هادی دنیا دیده (رئیس شعبه ششم دادگاه کیفری یک استان خراسان رضوی) پاسخ دهند اما همه آن‌ها باز هم تلاش می کردند برای گریز از مجازات، خود را بی گناه جلوه دهند با این حال مقام قضایی که سطر به سطر این پرونده حساس را زیر ذره بین بررسی های دقیق قرار داده بود با طرح سوالات فنی و محکمه پسند، متهمان را چنان به گرداب تناقض گویی انداخت که آن‌ها برای راهیابی از این شرایط، چاره ای جز اعتراف به زورگیری ندیدند و به سرعت کیف حاوی دلار و چک پول معترف شدند.

ولی یکی از متهمان با اشاره به این که کیف حاوی دلارا را زیر خودروی پژو ۲۰۶ انداخته است به قاضی دنیا دیده گفت: وقتی بند کیف بریده شدم من آن را برداشتم و فرسار کردم ولی زمانی که اهالی محفل را دیدم به ناچار آن را زیر یک دستگاه خودروی ۲۰۶ انداختم که در همان محل پارک بود. حدود دو ساعت بعد وقتی دوباره برای برداشتن کیف دلارا به محل حادثه بازگشتم کیف آن جانبو! در همین حال یکی دیگر از متهمان که در تنگنای سوالات مقام قضایی قرار گرفته بود مدعی شد: امیر و رضا به دنبال کیف رفتند ولی به دروغ گفتند که کیف را افراد دیگری زدند و بردند. در حالی که امیر به من گفت: به احسان و علی ۱۰ میلیون تومان دادم و سهم تو را هم می دهم اما باید صبر کنی تا دلارا را به ریال تبدیل کنم چرا که آن‌ها شماره سریال دارد و در بریمان مشکل ساز می شود...

گروه حوادث - باند ۵ نفره به اتهام ربودن کیف زن دلار فروش دستگیر شدند. اعضای باند ۵ نفره زورگیری که پس از جدال با یک زن دلار فروش، در چنگ قانون گرفتار شده بودند با صدور حکمی قاطع از سوی شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی به تحمل ۵۷ سال زندان، ۳۳۶ ضربه شلاق، رد مال و پرداخت دیه محکوم شدند. این حادثه در یک شب سرد پاییزی مشهد هنگامی رخ داد که زن دلار فروش از بعد از ظهر تا شب نتوانست مبالغی از دلارهایش را به فروش برساند به همین دلیل کیف حاوی ۷ هزار و ۵۰۰ دلار و چند میلیون تومان چک پول را زوری دوشش انداخت و به طرف منزلش به راه افتاد.

او در سسه راه کاشانی مشهد از خودرو پیاده شد تا بقیه مسیر درون کوچه را قدم زدن طی کند اما نمی دانست چه حادثه شومی انتظارش را می کشد چرا که ساعتی قبل چند جوان داخل یک کافه نقشه زورگیری دلارهای او را کشیده بودند و اکنون در حالی با سر و صورت پوشیده داخل خودروی پراید به کمین نشسته بودند که یکی از زورگیران تقابدار نیز با موتورسیکلت به محل مد نظر آمده بود. زن میان سال بدون توجه به اطرافش همچنان پیاده در حرکت بود تا این که مقابل منزل ایستاد. او بند کیف را روی شانه اش جابه جا کرد و زنگ را به صدا در آورد اما ناگهان جوانی از پشت سر دستش را دور گردن او حلقه زد و فشار داد.

در همین هنگام دو جوان دیگر هم به سوی آن‌ها دویدند تا برای ربودن کیف به همدست شان کمک کنند. زن دلار فروش که تازه فهمیده بود در چنگ زورگیران گرفتار شده است همه توانش را جمع کرد و در حالی که کیف حاوی دلارا را محکم گرفته بود، چرخ زورگیری را از میان دستان زورگیر تقابدار رها کند ولی با تیغه چاقوی زورگیران رویه رو شد و سارقان چاقو کش تلاش کردند با تک کاری زن دلار فروش، کیف را به سرعت بربند ولی با مقاومت وی، جدال بین آن‌ها شدت گرفت. همزمان با فریادهای زن دلار فروش، اهالی محل نیز در آن ساعت شب از خانه هایشان بیرون آمدند و به طرف محل درگیری دویدند. در این لحظه بود که زورگیران تقابدار بند کیف را بربندند و هراسان به سمت خودروی پراید فرار کردند که یکی از همدستان شان منتظر ایستاده بود. یکی از زورگیران به سمت موتورسیکلت رفت تا باروشن کردن آن از صحنه حادثه بگریزد اما زن میان سال با یک حرکت متهورانه خود را به او رساند و از پشت سر لباسش را چنگ زد. این کشاکش و درگیری ادامه داشت که زورگیر جوان با رها کردن موتورسیکلت ضرباتی را بر پیکر زن میان سال وارد آورد و موفق شد از محل درگیری بگریزد.

عمل شیطانی برادران دوقلو در خانه اجاره ای

گروه حوادث - برادران دوقلو به بهانه مسافرخشی دختر جوان را سوار خودروشان کرده و با کشاندن او به خانه ای در خارج از شهر وی را قربانی نیت شوم خود کردند. برادران دوقلو به بهانه مسافرخشی دختر جوان را سوار خودروشان کرده و با کشاندن او به خانه ای در خارج از شهر وی را قربانی نیت شوم خود کردند. اواخر بهمن سال گذشته، دختری هراسان به پلیس رفت و از جنایت سیاهی که برای او رقم خورده بود پرده برداشت. «شب گذشته از ایستگاه متروی در شرق تهران خارج شدم و کنار خیابان به انتظار خودروی خودم که یک پراید با دو سر نشین مقابل پیام ایستاد من هم به تصور اینکه مسافر پرست سوار شدم.»

او ادامه داد: دقیقی گذشته بود که راننده پراید به بهانه شلوغی خیابان، تغییر مسیر داد و در محلی خلوت توقف کرد. ناگهان پسر جوانی که روی صندلی جلو و در کنار راننده نشسته بود، به عقب آمد و با تهدید دست‌ها و دهانم را چسب زد و سرم را زیر صندلی کرد. هر چه تلاش کردم که از دست دو مرد جوان نجات پیدا کنم، بی فایده بود. در نهایت خودرو مقابل خانه ای توقف کرد و پسران جوان مرا با زور به داخل خانه بردند. بعد مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند و در اتاقی حبس کردند. دختر جوان گفت: نیم ساعتی نگذشته بود که پسران جوان ابراز پشیمانی کرده و با گریه و التماس از من خواستند که آن‌ها را ببخشم و مدعی شدند که اشتباه کرده اند. بعد هم مرا سوار خودروی خودشان کرده و در نزدیکی خانه مان پیاده کردند. در راه بر کشت نشانی خانه ای که در آن مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودم را به خاطر سپردم. با شکایت دختر جوان، پرونده ای به دستور باز پرس محمد امین تقویان تشکیل شد و کار آگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شدند. در نخستین گام با کمک دختر جوان، مأموران راهی خانه مورد نظر شدند، اما از متهمان خبری نبود. تحقیقات نشان می داد که آن‌ها خانه را یک روزه اجاره کرده و هیچ مدرکی از آن‌ها به دست نیامد.

به دستور باز پرس جنایی، راننده جوان به نام هرمز یازداشت شد و در تحقیقات گفت: من و هم من برادر دوقلو هستیم. ۱۰ روز قرار بود به همراه دو دختر به خانه ای که اجاره کرده بودیم برویم، اما دختر هابه سر قرار نیامدند. من و هم من که خیلی ناراحت شده بودیم تصمیم گرفتیم در شهر بگردیم و دختری را با خود به خانه ای که اجاره کرده بودیم، ببریم. او ادامه داد: همان طور که در خیابان ها پرسه می زدیم، متوجه دختر جوانی شدیم که مقابل مترو به انتظار تکیه بود. به بهانه اینکه مسافرخشی هستیم او را سوار خودرو کرده و در میان راه، من به صندلی عقب آمدم و دست و دهان او را بستیم و به خانه ای در خارج از شهر بردیم. من آدم ریایی و سستن دست و پای دختر جوان را قبول دارم، اما آزار و اذیتی نکردم و برادرم به او تعرض کرد. با توجه به آزار و اذیت دختر جوان، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد. او جنبه آزار و اذیت قانونی در شعبه هشتم دادسرای امور جنایی پایتخت تحت رسیدگی است و تحقیقات برای بازداشت متهم دو قلو ادامه دارد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

<h3>نگهداری از واحد مسکونی</h3>	<h3>خشکشویی</h3>	<h3>مفقودی</h3>	<h3>استخدام</h3>
<p>نگهداری و مراقبت شبانه روزی از واحد مسکونی یا تجاری شما در هر نقطه از ایران ۰۹۳۸۴۶۴۱۰۶۲</p>	<p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p>	<p>اصل سند خودروی پراید ۱۱۱ رنگ نوک مدادی متالیک به شماره پلاک ۸۳ ایران ۶۱۹۳۶۲/m13 شماره شاسی 619362/m13 شماره شاسی nas431100j1039227 به نام علی رضا غلامی مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>تعدادی نیرو (طبق هشتک های زیر) جهت کار در یک شرکت تولیدی حداقل مدرک تحصیلی دیپلم ساعت کار : ۸ الی ۱۷ حقوق طبق قانون کار - بیمه تامین اجتماعی - سرویس - نهار (بدون اسکان) کارگر ساده انبار (یک نفر آقا) تحصیلدار و راننده (یک نفر آقا) مراجعه حضوری: از ساعت ۹ الی ۱۴ آدرس جهت مراجعه نیرو و انبار : درخت سبز صنعت ۷ قطعه MA۸۹-۹۱. آدرس جهت مراجعه نیرو و تحصیلدار: درخت سبز صنعت ۶ قطعه MA۹-۱۰.</p>
<h3>خدمات</h3>	<h3>حمل بار</h3>	<h3>استخدام</h3>	<p>املاک ایده ال از افراد مبتدی و با سابقه جهت مشاور املاک همکاری دعوت به عمل می آورد، متقاضیان باشماره ۰۹۹۱۸۰۱۸۹۰۴ یا ۰۹۳۶۰۸۸۲۸۵۵۵. تماس حاصل نمایند.</p>
<h3>خدمات برق</h3> <p>انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<h3>حمل و جابجایی کالا</h3> <p>با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<h3>دعوت به همکاری</h3> <p>موسسه رسانه ای و مطبوعاتی اقتصاد کیش جهت تکمیل کادر پرسنلی در بخش های مختلف از تعدادی خانم و آقا، آشنا و علاقمند به فعالیت در امور اداری - اجرایی دعوت به همکاری می نماید علاقمندان به نشانی خیابان فردوسی، ویلاهای مروارید، بلوک B3، طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه یا با شماره ۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل نمایند.</p>	<p>منشی خانم مسلط به ورد و اکسل در یک شرکت نیازمندیم ۰۹۳۴۷۶۸۳۲۳۶، ۰۹۱۲۱۳۴۱۰۶۸</p>

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش | گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش | روزنامه